

Approaches and Procedures for Assessing Judges Competence in Islamic Society

Gholamreza Montazeri

Assistant Professor of History of Islamic Culture and Civilization, Department of Islamic Studies, University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran.

montazeri1404@gmail.com

 0000-0001-8653-7543

Mostafa Montazeri

Assistant Professor, Political Science, Department of Theology, Law, and Islamic Education, Faculty of Humanities, Golestan University, Gorgan, Iran (Corresponding author).

m.montazeri@gu.ac.ir

 0000-0001-8653-7543

Abstract

Merit-based selection for positions, especially within the judiciary, is considered as a paramount strategies for promoting good governance and advancing a modern Islamic civilization. To attain this objective, leveraging the invaluable experiences of Islamic civilization is of utmost significance. Given the pivotal role of the Court of Justice in upholding social justice, public security and welfare, it has always held a sensitive position within the administrative framework of Islamic civilization. Rulers have consistently prioritized appointing individuals of the utmost suitability for this role. Therefore, this research endeavors to address two fundamental questions: firstly, were there specific criteria and strategies for appointing judges? If the answer is affirmative, the subsequent question pertains to the methods and processes for equipping qualified individuals for this role. This research adopts a descriptive-analytical approach and relies on library documents. It begins by tracing the historical development of the judicial role and subsequently delves into explicating the responses to these questions, drawing inspiration from texts related to the state administration. Within this context, various requirements, encompassing qualifications for sound judgment and personal attributes, have been meticulously considered by the leaders. These include elements such as field research, face-to-face interviews, reviews of past experiences, among others, aimed at achieving the most judicious selection.

Keywords: Strategy, Judicial Role, Merit-Based Selection, Islamic Civilization and Historical Development.



راهبردها و فرایندهای احراز شایستگی قضات در تمدن اسلامی

غلامرضا منتظری

استادیار تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی، گرگان، ایران.

montazeri1404@gmail.com

0000-0001-8653-7543

مصطفی منتظری

استادیار علوم سیاسی، گروه آموزشی الهیات، حقوق و معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران (نویسنده مسئول).

m.montazeri@gu.ac.ir

0000-0001-8653-7543

چکیده

شایسته‌گزینی در مناصب، به‌ویژه در مسند قضاوت، از مهم‌ترین راهبردها در حکمرانی مطلوب و دستیابی به تمدن نوین اسلامی محسوب می‌شود. برای نیل به این مهم، بهره‌مندی از تجربه گران‌سنگ تمدن اسلامی، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. به‌دلیل نقش مهم دیوان قضا در تحقق عدالت اجتماعی، امنیت و رفاه عمومی، همواره در سازمان اداری و تمدن اسلامی از جایگاهی حساس برخوردار بوده است و حاکمان اهتمام ویژه‌ای در تعیین شخصیت مناسب برای این جایگاه داشته‌اند. براین اساس، دو پرسش اساسی در دستور کار این پژوهش قرار گرفت: نخست آنکه آیا معیارها و راهبردهایی برای انتخاب دادرسان وجود داشته است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، پرسش از روش‌ها و فرایندهای احراز صلاحیت افراد شایسته مطرح می‌شود. در این پژوهش، با بهره‌مندی از روش توصیفی - تحلیلی و مراجعه به اسناد کتابخانه‌ای، ابتدا به طرح سیر تاریخی منصب قضا مبادرت شده است و سپس به تبیین پاسخ‌ها به پرسش‌های موردنظر با الهام از متون مرتبط با آیین کشورداری اهتمام شده است. براین اساس، شروط متعددی از جمله شروط صحت دآوری و ویژگی‌های شخصیتی مورد توجه زمامداران بوده است، که از آن میان می‌توان به تحقیق میدانی، مصاحبه حضوری، بررسی تجارب گذشته و... برای دستیابی به انتخابی احسن اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: راهبرد، منصب قضا، شایسته‌گزینی، تمدن اسلامی، تاریخ.



مقدمه و بیان مسئله

حکمرانی خوب، از جمله مسائلی است که به قدمت تاریخ بشر، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جامعه انسانی شده است و برای تحقق آن، اندیشمندان، سیاست‌ورزان و پژوهشگران بسیاری آثاری را به زیور طبع آراسته‌اند (آدینه‌وند و علیان، ۱۳۹۵). راهبرد نیز طرز نگرشی برای کشف فرصت‌ها و منافع نهفته در آنهاست (مسلمی و فاضلی، ۱۳۹۷). در این میان، برقراری عدالت، به‌عنوان یک راهبرد اساسی، در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، یکی از مهم‌ترین انتظارات مردم از زمامداران در طول تاریخ برای تحقق نوع مطلوبی از حکمرانی بوده است. حکمرانان نیز با وقوف به سهم و نقش عدالت‌محوری در ثبات و مقبولیت حکومت‌ها، همواره در تلاش بوده‌اند تا خود را دوستدار و مدعی عدالت نشان دهند. از آنجاکه عدالت در بخش اجتماعی به‌ویژه رسیدگی به حقوق مردم، رابطه معناداری با قضات و دادرسان دارد، دو پرسش اساسی در مورد متصدیان منصب قضا، به‌ویژه در عصر عباسیان، مبنای این پژوهش قرار گرفته است:

یکم، چه معیارها و ویژگی‌ها برای تصدی این منصب در دستور کار سازمان اداری بوده است؟

دوم، از چه راهبردها و شیوه‌هایی برای احراز شایستگی سود می‌بردند؟
با پاسخ به این دو پرسش، تصویر روشن‌تری از میزان پایبندی حاکمان و والیان به اصل شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی در تاریخ تمدن اسلامی ارائه خواهد شد.

۱. پیشینه پژوهش

با بررسی‌های انجام شده، پژوهش‌هایی در مورد منصب قضا با تکیه بر سیر تاریخی و کارکردها صورت گرفته است، آثاری که بیشتر جنبه فقهی داشته و با الهام از منابع و متون اسلامی، توسط برخی از عالمان دینی، فقها و یا قضات برای استفاده حاکمان و دولتمردان اسلامی به رشته تحریر درآمده‌اند که از آن میان می‌توان به آثاری نظیر: ادب القضا نوشته ابن ابی‌الدم و ادب القاضی اثر ماوردی اشاره نمود. در این آثار، اطلاعات دقیق و سودمندی از سیر تاریخی دیوان قضا، شروط و حدود اختیارات قضات، منصب قاضی القضاة و دیوان مظالم ارائه شده است که در پژوهش حاضر بر حسب نیاز مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. علی‌رغم وجود چنین آثاری، اثری مستقل با رویکرد موردنظر این پژوهش، انجام نشده است و کمتر از این منظر بدان پرداخته

شده است. به این معنا که با نگاهی مسئله‌محور، در کنار مروری مختصر بر سیر تاریخی و وظایف منصب قضا، معیارها و شاخصه‌های گزینش دادرسان و فرایند احراز شایسته‌سالاری برای داوطلبان این منصب در دستور کار قرار گرفته باشد.

۱-۱. شکل‌گیری و سیر تحول

منصب قضا از جمله مشاغل دینی است که در سازمان و تشکیلات دولتی مسلمانان همواره از ارزش و اهمیت والایی برخوردار بوده است. بر این اساس در آرای متفکران اسلامی، رجال دیوانی و یا فرامین حکومتی از آن به عنوان «کاری مهم و حساس» (نظام‌الملک طوسی، ۱۳۷۸، ص. ۵۶)، «مهم‌ترین مسئولیت دینی» (جوینی، ۱۳۲۹، ص. ۴۵)، «رکنی از ارکان استقامت مملکت» (راوندی، ۱۳۶۴، ص. ۳۸۷)، «طراوت بخش اسلام» (بغدادی، ۱۳۱۵، ص. ۶۱) و «برترین کارها در پیشگاه خدا» (ابن خلدون، ۱۳۷۵، ص. ۶۰۰) یاد شده است.

با توجه به اهمیت و حساسیت امر قضاوت^۱ در سال‌های آغازین حکومت و خلافت، رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و خلفا شخصاً به انجام این وظیفه مبادرت می‌نمودند؛ اما گسترش فتوحات و ضرورت رسیدگی به دعاوی و مشکلات مردم سبب شد تا افرادی با عنوان «قاضی» خلیفه را در انجام این مسئولیت مساعدت نمایند. عمر اولین خلیفه‌ای بود که تنی چند از افراد قابل اعتماد را به نیابت از خویش برای امر دادرسی در مدینه، بصره و کوفه تعیین نمود و در ادوار بعدی نیز، گسترش قلمرو حکومت، افزایش وظایف دیوانی و ضرورت پاسخگویی به سطح انتظارات اقشار مختلف، خلفا و حکمرانان را بر آن داشت که این مسئولیت را به افرادی امین، عادل و قابل اعتماد در بلاد مختلف محول نمایند (زیدان، ۱۴۱۵ق، ص. ۱۸۸) و همین امر سبب شد تا منصب قضا به تدریج و به اقتضای شرایط سیاسی و اجتماعی به دیوانی مستقل در تشکیلات دولتی تبدیل شود و بر جایگاه، وظایف و کارکنان آن افزوده گردد، نقطه اوج این تحول را می‌توان در عصر عباسیان - به‌ویژه در دوره اول و دوم - جستجو نمود؛ زیرا نظام حقوقی اسلام در این عصر تحت تأثیر عناصر فکری و فرهنگی ایرانی که در فقه اسلامی تبخّر داشتند از لحاظ علمی و

۱. از رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) روایت شده که فرمود: «هر که را به شغل قضا گماشتند گویی بی‌کارد ذبحش کردند» (ابن‌اِخوه، ۱۳۶۷، ص. ۲۲۷) و نیز از امام علی (علیه‌السلام) روایت شده که به شریح قاضی فرمود: «ای شریح به تحقیق که نشسته‌ای مجلسی را که نمی‌نشینند آن را مگر پیغمبری یا وصی پیغمبری» (محقق حلی، ۱۳۴۶، ص. ۱۶۲۲).

عملی گسترش یافت و زمینه نهادینه شدن سازمان قضایی نیز فراهم آمد (امین، ۱۳۸۲، ص. ۲۱۰). پیدایش منصب «قاضی القضاة» (جویی، ۱۳۲۹، صص. ۵۱ و ۵۷ و بغدادی، ۱۳۱۵، ص. ۵۴)، تألیف آثاری با عنوان «ادب القاضی» و یا «آداب القضاة» به منظور پاسخگویی به نیازهای فقهی و حقوقی (امین، ۱۳۸۲، ص. ۲۱۰)، افزایش تعداد کارکنان و دستیاران قاضی (کندی، ۱۹۰۸م، ص. ۳۸۵؛ متز، ۱۳۶۲، ج ۱، ص. ۲۵۸؛ قلقشندی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، صص. ۲۷۹-۲۸۲ و سمعانی، ۱۴۰۱ق، ج ۱۰، ص. ۲۰۶)، استقلال قضایی برخی از قضاة (جهشگیری، ۱۳۴۸، ص. ۳۹۶ و ابن خلکان، ۴۱۷ق، ج ۲، ص. ۲۹۴) و انجام مأموریت‌های سیاسی و اجتماعی از ناحیه خلفا و سلاطین (ابن اثیر، ۱۳۶۴، ج ۹، ص. ۱۶ و ابن مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص. ۱۲۱) را می‌توان از نشانه‌ها و پیامدهای چنین تحولی محسوب نمود.

روند دادرسی در روزگار فرمانروایی طاهریان «۲۶۰-۲۰۶هـ» صفاریان (۲۸۸-۲۴۷هـ)، سامانیان (۳۹۰-۲۰۴هـ)، آل بویه (۳۲۴-۴۴۷هـ)، غزنویان (۵۸۲-۳۵۱هـ) در قلمرو شرقی عباسیان نیز، متأثر از مرکز خلافت بوده و تفاوت‌چندانی به چشم نمی‌خورد (ساکت، ۱۳۸۲، صص. ۱۱۶-۱۱۹). تا اینکه به روزگار سلجوقیان (۵۹۰-۴۲۹هـ) و به‌ویژه در عهد ملک‌شاه سلجوقی در نتیجه اهتمام سلطان و مساعی وزیر با کفایتش - خواجه نظام‌الملک - امر دادرسی و واگذاری این منصب به افراد شایسته^۱ گام‌های مؤثرتری در جهت بهبود وضع قضایی - در مقایسه با دوره غزنویان - برداشته شد (بارتلد، ۱۳۶۶، ج ۱، ص. ۶۳۴ و امین، ۱۳۸۲، ص. ۲۸۴) و به‌منظور نظارت بر عزل و نصب قضات، منصب جدیدی به نام «قاضی القضاة» به‌وجود آمد (وطواط، ۱۳۳۸، صص. ۷۴-۷۵؛ لمبتون، ۱۳۸۰، صص. ۱۵۹-۱۶۹ و نخجوانی، ۱۳۵۷، ص. ۳۲۹) و بالاخره در عهد خوارزمشاهیان، که با سال‌های ضعف و انحطاط دولت عباسیان و حمله مغول مقارن گشته بود، نه‌تنها تحولی در امر دادرسی رخ نداد بلکه بر میزان رشوت و بی‌عدالتی دست‌اندرکاران امور قضایی - در مقایسه با ادوار پیشین - افزوده شد. به‌گونه‌ای که شیخ نجم‌الدین رازی با وجود روحیه محافظه‌کارانه‌اش، وضع موجود - در اوایل قرن هفتم - را مورد نقد قرار داده و می‌نویسد:

«این ضعیف در بلاد جهان، شرق و غرب قریب سی سال است تا می‌گردد، هیچ

۱. «باید که احوال قاضیان مملکت یگان‌یگان بدانند و هر که از ایشان عالم و زاهد و کوتاه دست باشد او را بر آن نگاه دارند و هر که چنین نبود او را معزول کنند و به دیگری که شایسته باشد بسپارند» (نظام‌الملک طوسی، ۱۳۷۸، ص. ۵۶).

قاضی نیافت که از این آفات (رشوت و کار بر مبنای نفس) مبرا و مصون باشد، آلا ماشاءالله. مع هذا اگر کسی از این خصال ناپسند پاک و مبرا باشد و به ضد این خصال حمیده موصوف، بر جاده شریعت و بدان سیرت و سریرت که شرح داده آمد، عالم عامل دل را متصف گردد... و از نادره جهان بود و به چنین قاضی تبرک نمودن و تقرب جستن واجب بود» (رازی، ۱۳۹۹، صص. ۴۹۸-۴۹۹).

۱-۲. ویژگی‌ها و شروط احراز منصب قضا

منصب قضا، از جمله مناصبی است که به دلیل صبغه دینی و نقش آن در تأمین امنیت و تحقق عدالت اجتماعی، مورد توجه بسیاری از فقها، عالمان دینی و رجال دیوانی قرار گرفته و در آثار خویش، از آداب، آیین دادرسی و معیارهای احراز این مسئولیت، سخن به میان آورده‌اند. از آن میان می‌توان به آثار ارزشمند ماوردی، فقیه و حقوقدان شافعی (د. ۴هـ) اشاره کرد که آراء و نظریه‌های او در زمینه مسائل حقوقی و حکومتی از جمله ویژگی‌های قاضی شایسته، نقش تعیین‌کننده‌ای در اندیشه فقهی عالمان بعدی داشته است، به گونه‌ای که از ویژگی‌های مورد نظر وی، به عنوان شروط و ویژگی‌های مورد اتفاق فقها، به ویژه فقهای شافعی یاد شده است (علی الانباری، ۱۹۷۸م، ص. ۱۱۷).

از آنجاکه بسیاری از این معیارها با الهام از آموزه‌های دینی تعیین و تعریف شده‌اند؛ لذا وجه اشتراک و شباهت‌های زیادی بین آرای فقها و رجال دیوانی دیده می‌شود که به ذکر اهم آنها در دو قسمت، که یکی مکمل دیگری است، مبادرت می‌گردد.

۱-۲-۱. شروط صحت داوری^۱

- ۱- مرد بودن (ماوردی، ۱۴۰۶ق، ص. ۸۸؛ ماوردی، ۱۳۹۱ق، ج ۱، ص. ۶۳۵؛ ابن ابی‌الدم، ۱۴۰۴ق، ص. ۳۲۹؛ نرشخی، ۱۳۵۱، ص. ۶ و ابن‌خوه، ۱۳۶۷، ص. ۲۲۸).
- ۲- بلوغ، یعنی رسیدن به سن تکلیف شرعی؛ بنابراین اگر مراهق (نابالغ اما نزدیک به بلوغ) از جهت استنباط احکام به درجه اجتهاد هم برسد، حق قضاوت ندارد (ماوردی، ۱۴۰۶ق، صص. ۸۸-۸۹ و نرشخی، ۱۳۵۱، ص. ۶).
- ۳- عاقل، یعنی کسی که از سلامت فکر و قدرت تعقل برخوردار باشد؛ بنابراین مجنون حق داوری و قضاوت ندارد (ماوردی، ۱۴۰۶ق، صص. ۸۸-۸۹ و ماوردی،

۱. این شروط بیشتر از ناحیه فقها و عالمان دینی مطرح شده و جدای از ویژگی‌های قاضی نمی‌باشد.

- ۱۳۹۱ق، ج ۱، ص. ۶۱۹). اصول دادرسی جز با تجزیه و تحلیل عقلی تصورپذیر نیست. برای همین است که بسیاری از دانشمندان، عقل را مایه اصول نام نهادند (ماوردی، ۱۳۹۱ق، ج ۱، ص. ۶۳۴).
- ۴- اسلام و ایمان، یعنی باور داشتن نبوت و خاتمیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم)؛ بنابراین براساس قاعده اعتلاء «الأسلام یُعْلَوُا وَلَا یُعْلَى عَلَیْهِ» غیرمسلمان نمی تواند در میان مسلمانان داوری نماید (ماوردی، ۱۴۰۶ق، صص. ۸۸-۸۹ و ابن اخوه، ۱۳۶۷، ص. ۲۲۸).
- ۵- عدالت، یعنی عدم ارتکاب کبائر (گناهان بزرگ) و عدم اصرار بر صغائر (گناهان کوچک) به طور عادی.
- ۶- طهارت مولد (حلال زادگی) (ماوردی، ۱۴۰۶ق، صص. ۸۸-۸۹؛ ماوردی، ۱۳۹۱ق، ج ۱، ص. ۶۳۴ و نرشخی، ۱۳۵۱، ص. ۶).
- ۷- حریت (آزاد بودن) (ماوردی، ۱۴۰۶ق، ص. ۸۸).
- ۸- سلامت جسمی و روانی، یعنی تندرستی و صحت عادی در بینایی، شنوایی، گویایی و نداشتن نقص عضو جدی (از نظر بدنی) و نیز نداشتن اختلال حواس یا بیماری های روانی. در این صورت، شخص کور، کر یا لال و فراموش کار حق داوری ندارد (ابن ابی الدم، ۱۴۰۴ق، ص. ۳۲۹؛ خنجی اصفهانی، ۱۳۶۴، ص. ۱۲۶ و ماوردی، ۱۴۰۶ق، ص. ۸۹).
- ۹- تخصص در احکام قضا (اجتهاد)، یعنی آگاه بودن از قوانین اسلام به طور عام و دانا بودن به احکام قضایی به طور خاص، به گونه ای که شخصاً قدرت استنباط احکام فرعی را با استناد به ادله اربعه فقه (قرآن، سنت، اجماع و عقل) داشته باشد (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱، ص. ۱۶۱؛ ماوردی، ۱۴۰۶ق، ص. ۸۹ و ابن ابی الدم، ۱۴۰۴ق، ص. ۳۲۹).

۱-۲-۲. ویژگی های شخصیتی (شروط کمالی)

- ۱- لیاقت و شایستگی (نظام الملک طوسی، ۱۳۷۸، ص. ۵۲؛ عنصرالمعالی، ۱۳۷۱، ص. ۱۶۱؛ جوینی، ۱۳۲۹، ص. ۵۱ و زیدان، ۱۴۰۴ق، ص. ۳۲).
- ۲- تقوا و پروا پیشگی (نظام الملک طوسی، ۱۳۷۸، ص. ۵۷؛ عنصرالمعالی، ۱۳۷۱، ص. ۱۶۱؛ جوینی، ۱۳۲۹، ص. ۵۱ و بغدادی، ۱۳۱۵، ص. ۴۹).
- ۳- ذکاوت و هوشمندی (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱، ص. ۱۶۱؛ ابن اخوه، ۱۳۶۷، ص. ۲۲۷ و ماوردی، ۱۴۰۶ق، ص. ۸۸).

- ۴- وقار و منانت (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱، ص. ۱۶۱ و بغدادی، ۱۳۱۵، ص. ۴۹).
- ۵- استغنا و مناعت طبع (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱، ص. ۱۶۱؛ ابن اخوه، ۱۳۶۷، ص. ۲۲۷؛ نظام‌الملک طوسی، ۱۳۷۸، ص. ۵۷ و جوینی، ۱۳۲۹، ص. ۵۱).
- ۶- خردمندی (ماوردی، ۱۴۰۶ق، ص. ۸۸؛ ماوردی، ۱۳۹۱ق، ج ۱، ص. ۲۲؛ ابن ابی‌الدم، ۱۴۰۴ق، ص. ۳۲۹؛ ابن اخوه، ۱۳۶۷، ص. ۲۲۷ و عنصرالمعالی، ۱۳۷۱، ص. ۱۶۱).
- ۷- حلم و بردباری (ابن اخوه، ۱۳۶۷، ص. ۲۲۷ و عنصرالمعالی، ۱۳۷۱، ص. ۱۶۱).
- ۸- توانمندی (جوینی، ۱۳۲۹، ص. ۵۱؛ بغدادی، ۱۳۱۵، ص. ۴۹ و ابن مسکویه، ج ۳، ۱۳۷۶، ص. ۴۵۴).
- ۹- پاکدامنی (نظام‌الملک طوسی، ۱۳۷۸، ص. ۵۹؛ ابن اخوه، ۱۳۶۷، ص. ۲۲۷-۲۲۸؛ جوینی، ۱۳۲۹، ص. ۵۱ و بغدادی، ۱۳۱۵، ص. ۴۹).
- ۱۰- عدل و انصاف (ماوردی، ۱۴۰۶ق، ص. ۸۸؛ ۱۳۹۱ق، ج ۲، ص. ۲۲؛ ابن اخوه، ۱۳۶۷، ص. ۲۲۷ و غزالی طوسی، ۱۳۶۱، ص. ۲۱).
- ۱۱- قاطعیت در رأی (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱، ص. ۱۶۱؛ ابن اخوه، ۱۳۶۷، ص. ۲۲۷ و راوندی، ۱۳۶۴، ص. ۲۸۷).

۳-۱. راهبردها و فرایند احراز شایستگی قضات

یکی از مسائل اساسی بعد از تعیین و تعریف شروط و ویژگی‌های لازم برای تصدی هر منصب، چگونگی و نحوه احراز صلاحیت و شایستگی داوطلبان و صاحب‌منصبان است. اگر با استفاده از روش‌های مؤثر، منطقی و قابل‌دفاع صورت پذیرد، مبنای انتصاب‌ها، گزینشی احسن خواهد بود. نتایج حاصله از این نحوه انتخاب، اسباب آرامش، اعتماد و اطمینان خاطر رهبران، زمامداران، مدیران ارشد و اقشار مختلف مردم را فراهم خواهد نمود. از این‌رو، «نحوه احراز شایستگی مدیران، کارگزاران و...» از جمله مواردی است که همواره مورد توجه نظام‌های حکومتی و سازمان‌های اداری بوده است و هر یک متناسب با اهداف خود، فرایند خاصی را برای دستیابی بدین مقصود تعریف نموده‌اند.

در دوره مورد پژوهش، عصر عباسیان - با توجه به اسناد و مدارک تاریخی، برنامه مدون و یا روش‌های معین و تعریف شده‌ای برای احراز صلاحیت قضات دیوان و مدیران وجود نداشته است که بتوان از آنها به‌عنوان شیوه‌هایی رسمی و ثابت یاد نمود بلکه برای احراز شایستگی داوطلبان برخی از مناصب، روش‌هایی اعمال می‌شد

که می‌توان از آنها به‌عنوان پشتوانه‌ها و تجارب ارزشمند مدیریتی در تمدن اسلامی یاد نمود. روش‌هایی که در عصر حاضر نیز به‌عنوان سازوکارها و شیوه‌های احراز صلاحیت در سازمان‌های اداری محسوب می‌شوند، عبارت‌اند از:

۱-۳-۱. بررسی و تحقیق از محل سکونت و نزدیکان

بررسی و تحقیق به‌منظور احراز عدالت و شایستگی قضات و کارکنان دستگاه قضایی به‌عنوان یک سنت و قاعده پسندیده در نزد برخی از خلفا و زمامداران عصر عباسیان، مرسوم و معمول بوده است که معمولاً مخفیانه انجام می‌شد. چنان‌که در بخشی از حکم انتصاب ابومحمد بن معروف از ناحیه خلیفه الطائع، به قاضی تأکید شد تا در دینداری و امانت شاهدان تحقیق و کاوش کند» (قلقشندی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، صص. ۲۸۰، ۲۷۹ و ۲۹۲).

به گفته کندی «هر گاه قضات، کسی که نزد ایشان شهادت می‌داد و به‌درستی شناخته و معروف بود، گواهی او را می‌پذیرفتند، در غیراین‌صورت برای آگاهی و شناخت بیشتر نسبت به او، به تحقیق و بررسی از همسایگان و نزدیکان او مبادرت می‌نمودند. غوث بن سلیمان، با توجه به ترویج گواهی دروغ، ناگزیر شد پنهانی در دوره گواهان بپرسند. چنانچه پس از بررسی، پرونده یکی از گواهان بسته می‌شد، در ادامه مورد استفاده قرار نمی‌گرفت و مانند یک فرد عادی، دنبال کار خود می‌رفت. مفضل بن فضاله نیز علاوه بر جستجو و تحقیق پیرامون گواهان، برای نخستین‌بار، سازمانی به‌نام صاحب مسائل را در مصر به‌وجود آورد. تا علاوه بر بررسی پرونده‌های مورد نیاز، پرسش درباره گواهان را نیز در دستور کار صاحب مسائل قرار دهد» (کندی، ۱۹۰۸م، صص. ۳۶۱ و ۳۸۵). علاوه بر قاضی، مزکی یا معدل نیز برای احراز عدالت و صداقت شهود، وضعیت و احوال آنان را بررسی می‌کرد و درنهایت نتیجه کار را گزارش می‌نمود (سمعانی، ۱۴۰۱ق، ج ۱۲، صص. ۲۲۲ و قدامه بن جعفر، ۱۳۷۵، صص. ۴۱).

۲-۳-۱. گفت‌وگو و مصاحبه با داوطلبان

الف) مردم عراق در سال ۱۸۰هـ ق یک مرد قریشی و یک جوان غیرعرب را برای تصدی منصب قضا به هارون پیشنهاد نمودند. هارون آن دو را فراخواند و با طرح پرسش‌های متعدد، جوان را برای تصدی منصب قضا شایسته‌تر یافت. جوان گفت: اگر امیرالمؤمنین مرا در این کار مجبور می‌گرداند، می‌پذیرم، ولی اگر مرا

مخیر گرداند راحتی و عافیت را برمی‌گزینم. رشید گفت: سزاوار نیست من کار مسلمانان را رها کنم، درحالی‌که افرادی همچون تو در میان آنان باشند (دینوری، ۱۳۸۰، صص. ۴۰۱-۴۰۲).

ب) در یک نمونه از حکم قضات که در «کتاب الخراج» قدامه بن جعفر آمده است به قاضی توصیه شده است تا برای احراز عدالت و شایستگی شهود، به گفت‌وگو و طرح پرسش‌های گوناگون با آنان مبادرت نماید تا کفایت و توانمندی آنان برای انجام این مسئولیت ثابت شود» (قدامه بن جعفر، ۱۳۷۵، صص. ۴۱-۴۲). یحیی بن اکثم قاضی القضاة مأمون نیز نامزدهای قضاوت را امتحان کرد؛ مثلاً روزی از یکی پرسید، هرگاه دو مرد که هر یک با مادر دیگری ازدواج نماید و هر یک صاحب پسری شوند، نسبت این دو پسر چیست؟ آن مرد پاسخ مناسبی نداد و یحیی به پاسخ آن مبادرت نمود» (قدامه بن جعفر، ۱۳۷۵، صص. ۴۱-۴۲).

۱-۳-۳. بررسی تجارب گذشته

یکی از راه‌های احراز شایستگی افراد، بررسی میزان موفقیت آنان در مناصب قبلی است. دقت در این پیشینه که در حکم کارنامه اجرایی و آزمون عملی کارگزاران است، امکان‌پذیر است. احسن را برای زمامداران و مدیران دستگاه‌ها و سازمان‌ها تسهیل می‌کند و امید آنان را به توفیق افراد برگزیده در مناصب بعدی، افزایش می‌دهد.

الف) ابوالحسن ماوردی، بعد از تصدی منصب قضا در شهرها و مناطق مختلف و کسب تجربه لازم به قاضی القضاتی بغداد منصوب می‌گردد (ابن اثیر، ۱۳۶۴، ج ۱۶، صص. ۱۶۷-۱۶۸؛ لمبتون، ۱۳۸۰، صص. ۱۵۹ و ساکت، ۱۳۸۲، صص. ۱۴۸).

ب) به گزارش ابن بلخی، در عصر خلیفه الرازی بالله (۳۲۲-۳۲۹هـ) قاضی عرب تبار به‌نام ابومحمد عبدالله فرازی از سوی خلیفه بغداد به قضا پارس و کرمان و عمان مأمور شد و او از نیکوسیرتی چنان بود که چون به دیلم رسید و پارس بگرفتند، او را تمکین تمام دادند، عضدالدوله او را تجربه بسیار کرد و چون دانست که بی‌نظیر است، حرمتی او را نهاد، سخت بزرگ» (ابن بلخی، ۱۹۳۱م، صص. ۱۱۷).

پ) خلیفه المسترشد بالله بعد از ذکر ویژگی‌ها و دلایل انتخاب ابی القاسم علی بن الحسین... قاضی به‌عنوان قاضی القضاة بغداد، از این انتصاب و انتخاب، به‌عنوان گزینش احسن یاد می‌نماید (قلقشندی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، صص. ۲۷۳-۲۷۴) و خلیفه الطائع لله نیز بعد از وقوف به کمال و ویژگی‌های ابی محمد عبیدالله بن

احمد بن معروف، او را بارها مورد امتحان قرار داده و پس از احراز شایستگی، او را به‌عنوان «قاضی القضاة» و مسئولیت قضا سامرا و تکریت... انتخاب می‌نماید» (قلقشندی، ۴۰۷ ق، ج ۱۰، صص. ۲۸۶-۲۸۷).

ت) سلطان مسعود غزنوی، با اعتراف به قابلیت‌ها و شایستگی‌هایی که ابوطالب تباری، از اکابر تباریان و یگانه در ورع و فضل، در دوره تصدی منصب قضا نیشابور از خود نشان داده بود، می‌گوید: ما تو را به ری خواهیم فرستاد تا آنجا قاضی قضاات باشی» (بیهقی، ۱۳۷۵، ص. ۳۰۶؛ جوینی، ۱۳۲۹، ص. ۴۶ و عتبی، ۱۳۸۲، ص. ۳۹۶).

ث) در بخشی از فرمان قضا گلپایگان آمده است: «قضا و حکومت بزرگترین شغلی است از اشغال دینی و نازک‌ترین عملی است از اعمال شرعی و ترتیب آن کردن و تیمار داشت آن به مستحقی از ائمه دین و علماء شریعت تفویض فرمودن از فرایض باشد و قاضی امام اجل مجدالدین محمد ادام الله تأییده، استحقاق این تفویض دارد که در ورع و علم از اقران خویش ممتاز است و همتا ندارد. حکم این حال قضا حکومت گلپایگان به وی تفویض گردانیده شد و بعد از استخارت این مهم دینی به اهتمام او کرده آمد...» (جوینی، ۱۳۲۹، ص. ۴۵) و در فرمان قضا مرو نیز آمده است «و هر مهمی که آنجا باشد به کسانی تفویض فرماییم از ثقات و کفات دیوان که بر اقران و اکفا فضیلت تقدیم دارند و منقبت سبق و در ملاسبت جلال امور امارت ستوده نموده باشند و در تضاعیف تضاریف روزگار مجرب و مهذب شده و بر محک اختیار پسندیده عیار آمده باشند...» (جوینی، ۱۳۲۹، صص. ۱۷-۴۶؛ نرشخی، ۱۳۵۱، صص. ۵-۶؛ وطواط، ۱۳۳۸، صص. ۷۴-۷۶ و عتبی، ۱۳۸۲، ص. ۳۹۶).

۱-۳-۴. گزینش علمی و اخلاقی

الف) نرشخی می‌نویسد: «ابوذر بخاری از جمله اصحاب امام شافعی بود رحمة الله و با علم و زهد بود و او را بر علمای بخارا تقدیم کردند و او را بسیار بیامودند به رشوت پنهان و به هر معنی، به هیچ چیز خویشتن را آلوده نکرد بلکه هر روز عدل و انصاف از او ظاهرتر می‌شد و چون پیر شد از قضا عفو خواست» (نرشخی، ۱۳۵۱، صص. ۵-۶).

ب) بیهقی در مورد نحوه آزمون و احراز عدالت ابوالحسن بولانی می‌نویسد: «مسعود چند کیسه زر که از بتخانه‌های هندوستان به‌دست آمده بود، توسط بونصر

مشکان برای او می‌فرستد و او با همه فقر، از گرفتن آنها ابا می‌کند و می‌گوید: مرا به کار نیست و قیامت سخت نزدیک است، حساب این نتوانم داد. سپس آن را به پسرش تکلیف کردند، او نیز رد می‌کند و می‌گوید: من نیز فرزند این پدرم که این سخن گفت و علم از وی آموخته‌ام و من هم از آن حساب و توقف و پرسش قیامت می‌ترسم که وی می‌ترسد. بونصر مشکان با شنیدن سخنان این دو به گریه افتاده و می‌گوید: بزرگان که شما دو تنید» (محقق، ۱۳۷۴، ص. ۳۶).

پ) «قاضی القضاة ابومحمد در خدمت سلطان محمود، به وسائل اکید و شوافع حمید اختصاص داشت. هم از روی غزارت علم و هم از جهت کمال تقوی و ورع و منسب تدریس و مرتبت فتوا، دارالملک غزنه بدو آراسته بود و چون علم او مرتفع گشت و درجه او در ابواب فتوا و تقوا به نهایت رسید، قضا ممالک بدو تفویض فرمود» (عتبی، ۱۳۸۲، ص. ۳۹۶).

۱-۳-۵. رایزنی و مشورت با فقها و عالمان نامدار

یکی از شیوه‌های مرسوم جهت احراز صلاحیت‌ها، رایزنی و مشورت با امراء، مشاهیر و رجال دیوانی قابل اعتماد است که ریشه در اصل قرآنی «و شاورهم فی الامر» داشته و در ادوار پیشین نیز متداول بوده است. مشورت با معتمدان و بزرگان، جدای از ریشه‌های فرهنگی و دینی آن، در نگاه زمامداران این دوره نوعی عنایت نسبت به آنان نیز محسوب می‌شده است؛ اما «اصل مشورت» هم مانند دیگر شیوه‌های احراز شایستگی، که ذکر آن گذشت، جنبه رسمی و نهادی در احراز صلاحیت صاحبان مناصب نداشت بلکه امر گزینش افراد صالح و شایسته‌تر را تسهیل می‌نمود. با این وجود میزان پایبندی و اهتمام حکمرانان در بهره‌مندی از این شیوه، با توجه به دیدگاه آنان، متفاوت بوده است.

منصور دوانیقی (د ۱۵۸هـ.ق) برای تعیین قاضی القضاة پس از مشورت چهار تن (ابوحنیفه، سفیان ثوری، ابوعبدالله شریک بن عبدالله نخعی و مسعر) را شایسته این منصب دانست و هر چهار نفر را برای گفت‌وگو دعوت کرد» (ابن خلکان، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص. ۲۹۴ و عطار نیشابوری، ۱۳۷۹، ص. ۲۴۴).

الف) خلیفه هارون الرشید، نه تنها در مسائل دینی و مالی بلکه در گماردن قضات دیگر استان‌ها و شهرستان‌ها نیز با قاضی ابویوسف، قاضی القضاة، رایزنی می‌کرد. وی قضات را نامزد می‌کرد و خلیفه او را با صدور فرمانی به دادرسی می‌گماشت»

(ساکت، ۱۳۸۲، صص. ۹۷ و ۱۰۷).

ب) نرشخی می‌نویسد: «عیسی بن موسی معروف به غنجر را پیشنهاد قضا دادند، قبول نکرد، سلطان فرمود که اهل قضا را پیش او یاد کنند، همچنان کردند و نام هر کس پیش او یاد کردند، گفتم شاید. چون حسن بن عثمان همدانی را پیش او یاد کردند خاموش گشت، گفتند خاموشی او از وی علامت رضا باشد. حسن بن عثمان را قضا دادند و در عهد او شهرهای خراسان به علم و زهد او هیچ‌کس را نشان ندادند» (نرشخی، ۱۳۵۱، ص. ۵).

پ) ابن الندیم ضمن احوال ابن بلخی می‌نویسد: «محمد بن شجاع گفت: اسحاق بن ابراهیم مصعبی از دوستان من بود، به من گفت امیرالمؤمنین مرا پیش خود خواند و از من خواست از میان فقیهان مردی را برایش انتخاب کنم که حدیث را نوشته، در فقه به درجه اجتهاد رسیده باشد، قامتش بلند، اندامش زیبا و نژادش از خراسانیانی باشد که در دولت ما تربیت یافته و از آن پشتیبانی می‌کند تا من قضاوت را به او واگذار کنم. من به او گفتم جز محمد بن شجاع کسی را به این صفات سراغ ندارم و این امر را با وی در میان خواهم گذاشت. گفت همین کار را انجام بده، هرگاه موافقت کرد، وی را نزد ما بیاور» (ابن الندیم، ۱۴۱۷ق، ص. ۳۵۱ و مقدسی، ۱۹۰۶م، ص. ۳۲۷).

۱-۳-۶. استخاره بعد از مشورت (با هدف اطمینان بیشتر)

در بخشی از فرمان قضا ولایت طوس آمده است:

«معلوم است که امیر جلال‌الدین قضا ولایت طوس و مضافات آن را میراث دارای مستحق است و مدتی مدید به فرمان ما ملابس و مباشر آن بوده است و آثار جمیل نموده... بر قضیت این مقدمات و سوابق صفات، رأی چنان دید که بعد از استخارت، قضا ولایت طوس به وی ارزانی داشتیم، و این شغل بزرگ و مهم بر وی مقرر فرمودیم» (جوینی، ۱۳۲۹، صص. ۴۶ و ۶۶ و بغدادی، ۱۳۱۵، ص. ۴۹).

۱-۳-۷. نقش مردم در گزینش و عزل دادرسان

از آنجاکه ابزار سلطه دولت‌ها در این عصر، زر و زور و شمشیر و یا به تعبیر گویای بیهقی «یکی پرنیانی و یک زعفرانی»^۱ بوده است، مردم در شکل‌گیری این

۱. ابوالفضل بیهقی با استناد به شعر معروف دقیق «یکی پرنیانی، یکی زعفرانی» ابزار مملکت‌گیری و تسلط را دو چیز دانسته‌اند «یکی پرنیانی» یعنی شمشیری که به روانی و لغزندگی ابریشم و حریر برآ باشد و «یکی

حکومت‌ها نقش مؤثری نداشته‌اند، از این رو «مردمداری» و یا توجه به آراء و انتظارات اقشار مختلف برای گزینش کارگزاران، در اولویت زمامداران نبوده است. با توجه به سلطه سیاسی و اجتماعی خلفا و سلاطین، فقدان پایگاه مردمی آنان، و وجود دستگاه اداری و دیوانی برای انتخاب مدیران و صاحبان مناصب، شاید سخن از نقش مردم در گزینش قضات ضرورت چندانی نداشته باشد؛ اما با این وجود در متون تاریخی نشانه‌هایی از توجه برخی زمامداران به آراء و تمایلات مردمی در عزل و نصب‌ها دیده می‌شود که ممکن است به اقتضای شرایط و یا جلب رضایت افکار عمومی صورت گرفته باشد که به ذکر چند نمونه اکتفا می‌گردد.

(الف) در سال ۱۵۵هـ.ق، پس از درگذشت ابوخریمه، نمایندگان مردم مصر، نزد منصور عباسی آمدند و به او گفتند: «خداوند پاداش شما را، در قاضی خود ابوخریمه بزرگ گرداند، خلیفه به وزیر خود ربیع گفت: برای مردم یک قاضی برگزین، یکی از نمایندگان مردم مصر به خلیفه گفت: درباره ما چه خواسته‌ای؟ خواسته‌ای تا در شهرها زبازد شویم که کسی شایسته دادرسی برای ما در شهرمان نیست؟ خلیفه گفت: پس کسی را به نام بگوئید. آن مرد، ابوسعدان یحصبی را یادآور شد. منصور گفت: او از نیکان است، ولی گنگی دارد، نماینده مردم مصر گفت: پس، عبدالله بن لهیعه برگزینید و خلیفه پذیرفت» (کندی، ۱۹۰۸م، ص. ۳۶۹).

(ب) کندی در شرح رخداد‌های سال (۱۶۴ق) می‌نویسد: «وقتی اسماعیل بن یسع کندی، نخستین قاضی حنفی عراقی، از جانب مهدی خلیفه عباسی به‌عنوان قاضی قاهره منصوب گردید، مردم به دلیل ناراضی‌تی از وی خشم و اعتراض خود را آشکار نمودند و این وضع نگران‌کننده، استاندار مصر را به آن داشت تا به منظور جلب رضایت مردم، طی نامه‌ای برکناری او را از خلیفه خواستار شود» (کندی، ۱۹۰۸م، صص. ۳۷۱-۳۷۳).

(پ) از وکیع پرسیدند: آنگاه که تو و ابن ادریس و حفص را نزد رشید در مجلس هارون الرشید بردند، در آن مجلس چه گذشت؟ گفت: نخست مرا بخواند و

زعفرانی» یعنی طلا و یا پول. با اولی گردن‌کشان را باید زد و با دومی گردن سر به راهان را به زیر بند آورد (بیهقی، ۱۳۷۵، ص. ۴۹۶).

یکی پرنیانی، یکی زعفرانی

دگر آهن آب داده یمانی

عقاب پرنده و شیر ژبانی

ز دو چیز گیرند مر مملکت را

یکی (زر) نام ملک برنشته

که ملک شکاری است، کوه را نگیرد

هارون گفت مردمان شهر تو را، قاضی می‌باید و تو را با چند تن نام می‌بردند، چنین بینم که این شغل ترا سزد تا با ما در بردن بار امانت انباری کنی» گفتیم: «من مردی پیرم و یک چشم من بسته است و آن دیگری ضعیف است و این شغل را نشایم» و سپس ابن ادریس را طلب کردند و او سلامی به اکراه زیر لب بگفت. هارون گفت: «دانی چرا نام ترا خوانده‌ام؟ گفت: نه. گفت: اهل بلد تو قاضی خواهند و ترا با کسانی نام برده‌اند، خواهم که در امانت این امت شریک من باشی، ابن ادریس گفت: من قضا را نشایم...» (راوندی، ۱۳۶۴، ص. ۷۶ و دینوری، ۱۳۸۰، ص. ۴۰۱).

ت) عبدالله بن طاهر، در سال (۲۱۲ق) انجمنی از بزرگان مصر بر پا کرد و به آنان گفت: «شما را گردآوردم تا برای خود یک قاضی برگزینید». مردی از آن میان به نام یحیی بن عبدالله بکیره به او گفت: ای امیر، هر کس خواهی برای دادرسی ما بر گمار، ولی از دو کس بپرهیز که بر ما دادرسی نکند: بیگانه و کشاورز» (کندی، ۱۹۰۸م، ص. ۴۳۳).

۱-۳-۸. ارزیابی از کارنامه کارکنان دستگاه قضایی

علاوه بر موارد مزبور، که بیشتر قبل از انتصاب اولیه انجام می‌گرفت، بررسی از نحوه عملکرد قاضی و کارکنان دستگاه قضایی بعد از انتصاب، به‌منظور تمدید حکم و یا انتصاب مجدد آنان نیز، مورد توجه برخی از خلفا و زمامداران بوده است. بر اساس گزارش مسعودی، «پس از آنکه مستکفی بالله به خلافت رسید، بار داد و از کار قاضیان پرسید و درباره شهود رسمی پایتخت تحقیق کرد و بگفت تا برخی از آنان را برکنار کنند و بعضی را از دروغ توبه دهند، و برخی را برقرار دارند و این به سبب چیزها بود که پیش خلافت از آنها دانسته بود. قاضیان نیز فرمان او را در این باب به‌کار بستند» (مسعودی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص. ۷۲۹).

نظام‌الملک نیز علاوه بر رعایت شایسته‌سالاری در گزینش اولیه قاضیان با تأکید، بر ارزیابی از میزان پایبندی آنان به صفات شایسته در مرحله عمل، می‌نویسد: «باید که احوال قاضیان مملکت یگان‌یگان، بدانند و هر که از ایشان عالم و زاهد و کوتاه دست باشد، او را بر آن نگاه دارند و هر که نه چنین بود، او را معزول کنند و به دیگری که شایسته باشد بسپارند» (نظام‌الملک طوسی، ۱۳۷۸، ص. ۸۵).

بی‌شک اگر بعد از انتصاب افراد در مناصب مختلف، زمامداران، رهبران و مدیران ارشد سازمان‌ها و مراکز دولتی، به گزینش‌های اولیه اکتفا ننموده و ارزیابی از نحوه

فعالیت متصدیان امور را در اولویت سیاست‌های خود قرار دهند، تحول چشمگیری در سلامت و موفقیت نظام اداری و کم‌وکیف فعالیت‌ها و خدمات آنها به‌وجود خواهد آمد.

۱-۳-۹. نقش توارث در انتخاب قضات

گرچه برخورداری از شروط احراز، مبنای اصلی شایسته‌سالاری در انتخاب دادرسان بوده است؛ اما موضوع توارث نیز در گزینش آنان، نقش تعیین‌کننده‌ای در برخی از انتصاب‌ها داشته است و در نزد دولتمردان نیز به‌عنوان یک «حق» و «اصلی مقبول» مرسوم و متداول بوده است. چنان‌که فخرالدوله هنگام جلوس به تخت سلطنت به وزیرش صاحب ابن عباد می‌گوید: «همچنان‌که سلطنت حق موروثی ما است، وزارت نیز حق تو است». لازم است هر یک از ما حق خود را محفوظ دارد^۱ (ثعالبی نیشابوری، ۱۳۶۸، ج ۳، ص. ۲۲۷). خواجه نظام‌الملک نیز بر این عقیده بود که «شغل وزیر نیز مانند مقام پادشاهی باید به ارث از پدر به پسر برسد» (بارتلد، ۱۳۶۶، ج ۱، صص. ۴۹۲-۴۹۴) و براین‌اساس، اداره همه امور ایران و توران را به دوازده فرزندش واگذار نمود، به‌گونه‌ای که خشم و اعتراض سلطان ملکشاه را برانگیخت و برای او پیغام فرستاد که «تو مگر با من شریکی که بدل خود، ولایت به فرزندان خود می‌دهی؟ اگر ترک این شیوه نکنید، دستار از سرت می‌گیرم، یعنی بکشم. خواجه جواب فرستاد که دستار من و تاج تو در هم بسته‌اند...» (مستوفی، ۱۳۶۴، ص. ۴۳۸؛ نخجوانی، ۱۳۵۷، ص. ۲۷۹ و عقیلی، ۱۳۶۴، ص. ۲۱۰).

علاوه بر آرای دولتمردان و رجال دیوانی، منابع تاریخی و جغرافیایی نیز وجود و استمرار این سنت را در دستگاه خلافت و قلمرو حکمرانی آنان تأیید می‌نماید. به گفته ابن حوقل «... در فارس این سنت و عادت پسندیده معمول است که برای بیوتات و خاندان‌های قدیمی، فضیلت قایلند. در آنجا خاندان‌هایی هستند که کارهای دیوانی را به‌طور موروثی، از ایام قدیم تا زمان ما (نیمه اول قرن چهارم) عهده دارند، از جمله خاندان ابی صفیه، خاندان حبیب، مرزبان، صاعدیان و... (اصطخری، ۱۹۶۱م، ص. ۸۹؛ بازورث و دیگران، ۱۳۸۰، ص. ۱۷۸ و زهرانی، ۱۳۹۳، صص. ۱۷-۱۸). علاوه

۱. ابوسعید رستمی نیز چنین سروده است که:

ورث الوازراء کابدأ عن کابر
مَوْصُولَه الاسناد بِالْأَسْتاد

صاحب مقام وزارت را پشت‌به‌پشت از پدرانش میراث برده و پیوندش به وزارت به‌هم‌پیوسته است.

و به گفته خوارزمی «او در دامن وزارت بار آمد و آشیانه‌ای که از آن خزید و از آن پرید همان بود و وزارت هم چون میراثی از پدر به او رسید» (ثعالبی نیشابوری، ۱۳۶۸، ج ۳، ص. ۲۲۷).

بر مورد فوق‌الذکر می‌توان از خاندان‌هایی نظیر آل برمک، آل خاقان، بنی وهب، بنی فرات آل جیهانی، آل عباد، خاندان نظام‌الملک، خاندان درگزینی و... یاد نمود که عهده‌دار مناصب مختلف دیوانی، از جمله منصب وزارت بوده‌اند.

چرایی وجود چنین تمایل و نگرشی در عصر موردنظر، از جمله مباحثی است که به بررسی و تحقیق بیشتری نیازمند است؛ اما با توجه به شواهد و قراین تاریخی، موارد زیر را می‌توان از عوامل احتمالی مؤثر در پیدایش و ترویج تفکر و گرایش موروثی بودن مناصب دیوانی به‌شمار آورد:

* الهام از سنت موروثی بودن مناصب حکومت در نزد ایرانیان باستان (قبل از اسلام)

* آمادگی و شایستگی بیشتر تربیت‌یافتگان در خاندان‌های دیوانی برای پذیرش مناصب از جمله منصب وزارت؛ زیرا آنان به‌واسطه آشنایی با آداب و آیین ملک‌داری و شناخت مشکلات و رموز این مسئولیت، در مقایسه با دیگران، موفقیت بیشتری در اداره امور خواهند داشت (اشپولر، ۱۳۷۳، ج ۲، ص. ۹۵).

* ایجاد نوعی تداوم و استمرار در تشکیلات دیوانی دولت (لمبتون، ۱۳۸۰، ص. ۳۲۴).

* حفظ قدرت در یک خاندان

* اعتمادآفرینی

از آنجاکه یکی از شروط واگذاری مناصب، اعتماد اطمینان فراوان به توانایی، امانت و صداقت داوطلبان آن است، از این‌رو به‌دلیل وجود خصیصه اعتماد در یک خاندان نسبت به یکدیگر، منصب وزارت به‌طور موروثی به فرزندان وزیر می‌رسید.

نتیجه‌گیری

تشکیلات دیوانی و سازمان‌های اداری، یکی از ارکان اساسی و میراث ارزشمند هر تمدنی به‌شمار می‌آید و به‌دلیل نقش تعیین‌کننده آن در ظهور و سقوط دولت‌ها و فراز و فرود تمدن‌ها، بخش عمده‌ای از تاریخ و تمدن هر ملتی را به خود اختصاص می‌دهد. تاریخ و تمدن اسلامی نیز با توجه به قدمت و پیشینه درخشانش از این قاعده مستثنی نیست و پژوهش در ابعادی از این تمدن، یعنی منصب قضا و دادرسی، ویژگی‌های شخصیتی قضات و فرایند احراز شایستگی آنان، به‌ویژه در عصری که از آن به‌عنوان عصر زرین فرهنگ و تمدن اسلامی یاد شده است، از اهمیت به‌سزایی برخوردار بوده و می‌تواند نتایج ارزشمندی را برای جامعه امروز و متصدیان نظام سیاسی و اداری کشور به ارمغان آورد.

با توجه به اسناد و مدارک تاریخی، به‌دلیل نقش و اهمیت منصب قضا در تحقق

عدالت اجتماعی و برقراری امنیت و رفاه مردم، زمامداران و فرمانروایان حساسیت و دقت بیشتری برای انتخاب قضات و دادرسان، در مقایسه با سایر مناصب دیوانی، داشتند. برای تحقق شایسته‌سالاری در این منصب از شیوه‌ها و راهبردهای متعددی، سود می‌بردند که برخی از آنها در سازمان‌های اداری عصر حاضر نیز، معمول و مرسوم است؛ از جمله: افکارسنجی عمومی، بررسی تجارب گذشته، بررسی صلاحیت افراد از طریق آزمون، مشورت و رایزنی با معتمدان و مشاهیر، معرفی از ناحیه نزدیکان و معتمدان و گزینش علمی و اخلاقی.

از ویژگی‌های شخصیتی و علمی دادرسان برگزیده در این دوره چنین برمی‌آید که بیشتر دولتمردان بر آن بوده‌اند که این سمت و مسئولیت دینی را به عالمان فرهیخته، دیندار و عادل محول نمایند؛ اما با این وجود، شواهد و نشانه‌هایی از فساد و تباهی در کارنامه برخی از قضات و نمونه‌هایی از راهیابی افراد فاقد صلاحیت و کفایت به دیوان قضا، حتی خرید و فروش منصب قضا، در اسناد تاریخی دیده می‌شود.

فهرست منابع

- آجلی لاهیجی، ل. و مقتدری، ن. (۱۳۹۵). بررسی اثربخشی آموزش‌های مبتنی بر نظریه گاتمن بر کاهش تعارضات زناشویی. *سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی*. باتومی گرجستان.
- آخوندی، م. و لک، ف. (۱۳۹۸). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی زناشویی در شهر بیرجند. *فصلنامه مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان*، (۵۲)، ۳۴-۱.
- آدینه‌وند، ع. و علیان، م. (۱۳۹۵). حکمرانی خوب شهری در ایران: اولویت‌بندی مؤلفه‌ها و معرفه‌ها. *فصلنامه راهبرد*، ۲۵(۸۱)، ۳۰۵-۳۳۸.
- أرول. (۱۳۶۱).
- آزاد ارمکی، ت. (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: سمت.
- ابن ابی الحدید، ف. (۱۳۸۰). *شرح ابن ابی الحدید بر نهج البلاغه*. قم: اسماعیلیان.
- ابن ابی الدم، ش. (۱۴۰۴ق). *ادب القضاء*. بغداد: مطبعة الارشاد.
- ابن اثیر، ع. (۱۳۶۴). *تاریخ کامل اسلام و ایران*. (ع. هاشمی حائری، مترجم) تهران: انتشارات علمی.
- ابن اخوه، م. (۱۳۶۷). *آیین شهرداری در قرن هفتم هجری (معالم القریه فی احکام*

- الحسبه). (ج. شعار، مترجم)، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن الندیم، م. (۱۴۱۷ق). *الفهرست*. بیروت: دارالمعرفه.
- ابن بابویه، علی بن محمد (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن بلخی. (۱۹۳۱م). *فارسنامه*. (گای لسرنینج، و رنلدالین نیکسون، تدوین کنندگان)، تهران: اساطیر.
- ابن خلدون، ج. ع. (۱۳۷۵). *مقدمه ابن خلدون*. (م. پروین گنابادی، مترجم)، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن خلکان، ا. ب. (۱۴۱۷ق). *وقیات الاعیان و انباء الزمان*. بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.
- ابن مسکویه، ج. ا. (۱۳۷۶). *تجارب الامم*، ج ۳ و ۶، (ع. منزوی، مترجم)، تهران: توس.
- ابن منظور، م. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- اشپولر، ب. (۱۳۷۳). *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*. (ج. فلاطوری، مترجم)، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اصطخری، ا. (۱۹۶۱م). *المسالك و الممالک*. بیروت: دارصادر.
- اکبری، ب؛ فرگت، آ؛ علی خواه، س. و مجیدی، م. (۱۳۹۸). نقش سرمایه اجتماعی و روان شناختی در پیش بینی صمیمیت زناشویی زوجین. *پژوهش های روان شناختی اجتماعی*، ۹(۳۳)، ۹۵-۱۱۴.
- امین، س. (۱۳۸۲). *تاریخ حقوق ایران*. تهران: دایرالمعارف ایران شناسی.
- اونر و همکاران. (۲۰۱۴).
- ایمان، م؛ یادعلی جمالی، ز. و زهری، م. (۱۳۹۱). بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و رضایتمندی زناشویی. *علوم اجتماعی*، (۱۷)، ۱-۳۲.
- بارتلد. (۱۳۶۶). *ترکستان نامه*. تهران: آگاه.
- بازورث، د. و دیگران (۱۳۸۰). *سلجوقیان*. (ی. آژند، مترجم)، تهران: انتشارات مولی.
- بشیریه، ح. (۱۳۹۰). *انقلاب و بسیج سیاسی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بغدادی، ب. (۱۳۱۵). *التوسل الی التوسل*. تهران: احمد بهمنیار.
- بوتومور، ت. (۱۳۵۷). *جامعه شناسی*. ترجمه سید حسن منصور و سید حسن حسینی، تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی.
- بوزان، ب. (۱۳۷۸). *مردم، دولت ها، هراس*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بهرامی کمیل، ن. (۱۳۹۶). *بازخوانی امنیت در فرهنگ باتمركز بر رسانه های اجتماعی*. تهران: دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه ها.
- بیهقی، ا. (۱۳۷۵). *تاریخ بیهقی*. تهران: انتشارات مهتاب.

- تاجیک، م. (۱۳۸۷). رسانه و بحران در عصر فراواقعیت (با تأکید بر بحران هویت). پژوهش‌های ارتباطی، (۵۶)، ۶۹-۹۴.
- تأمین، م. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی. ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: توتیا.
- تمیمی آمدی، ع. (۱۳۶۶). *غرر الحکم و درر الکلم*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ثعالبی نیشابوری، ا. (۱۳۶۸، ج ۳). *غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم*. (م. فضائلی، مترجم)، تهران: هفده شهریور.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۹۱). *جامعه در قرآن*. قم: اسرا.
- جوینی، م. (۱۳۲۹). *عتبه الکتبه*. (م. قزوینی، و ع. اقبال، تدوین‌کنندگان) تهران: شرکت سهامی چاپ.
- جهشیاری، م. (۱۳۴۸). *کتاب الوزراء و الکتاب*. (ا. طباطبایی، مترجم)، تهران: ترجمه و نشر.
- چالرز، و. (۱۳۸۹). *فرهنگ و امنیت*. (ر. طالبی آرانی، و م. نورمحمدی، مترجم)، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حرعاملی، م. (۱۴۱۲). *وسائل اشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل البیت.
- حسینی، م. (۱۳۹۰). اسراف، عوامل و راهکارهای مبارزه با آن. *مجله سفیر*، (۲۰)، ۱۵۵-۱۸۴.
- خان‌بیگی، ح. (۱۳۹۲). *میان‌روی و اعتدال شاخص وزین تعلیم اسلامی*. *فصلنامه حبل المتین*، (۳ و ۴).
- خمینی، ر. ا. (۱۳۷۵). *ولایت فقیه*. تهران: امیرکبیر.
- خنجی اصفهانی، ف. (۱۳۶۴). *سلوک الملوک*. تهران: خوارزمی.
- دینوری، ا. ق. (۱۳۸۰). *امامت و سیاست*. (س. طباطبایی، مترجم)، تهران: ققنوس.
- رازی، ن. (۱۳۹۹). *مرصاد العباد*. تهران: فردوس.
- راغب اصفهانی، ح. (۱۴۲۸ق). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت: دار المعرفه.
- راوندی، م. (۱۳۶۴). *راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ سلجوقی*. تهران: امیرکبیر.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۹۲). *تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زائرپور تملیکی، س. و زائر پور تملیکی، ط. (۱۳۹۵). *تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمانی پایه سوم ابتدایی*. *مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی*، (۱۴)، ۱۵۱-۱۶۰.
- زهرانی، م. (۱۳۹۳). *نظام وزارت در دولت عباسیان (عصر آل بویه و سلجوقیان)*. (س.

- عودی، مترجم)، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- زیدان، ج. (۱۴۱۵ق). مولفات جرجی زیدان الکامله (تاریخ تمدن اسلامی). بیروت: دارالجیل.
- زیدان، ع. (۱۴۰۴ق). *نظام القضاء فی الشریعه الاسلامیه*. بغداد: مطبعه العانی.
- ساروخانی. (۱۳۹۳).
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۵). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ساکت، م. (۱۳۸۲). *دادرسی در حقوق اسلامی*. تهران: میزان.
- سالاری‌فر، م. (۱۳۹۹). خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی. قم: سمت.
- سردارنیا، خ. ا. (۱۳۸۶). آثار سیاسی فناوری‌های تازه ارتباطی - اطلاعاتی. *ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ۲۲ (۵ و ۶)، ۱۰۴-۱۱۹.
- سمعانی، ا. (۱۴۰۱ق). *کتاب الانساب*. حیدرآباد: مجلس دائرةالمعارف العثمانیه.
- سیدعلوی، س. م. و نقیب‌السادات، س. ر. (۱۳۹۱). حوزه عمومی در فضای مجازی: مؤلفه‌های شکل گرفته حوزه عمومی مجازی از دیدگاه کارشناسان علوم ارتباطات و علوم سیاسی در دانشگاه‌های ایران. *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۱۹ (۵۷)، ۱۱۰-۱۵۳.
- شولتز، د. (۲۰۰۵). روان‌شناسی کمال، الگوهای شخصیت، ترجمه گیتی خوشدل. تهران: پیکان.
- شولتز، ر.، گادسون، ر. و کوئیستر، ج. (۱۳۹۰). *رویکردهای جدید در مطالعات امنیتی* (جلد دوم). (س. م. متقی‌نژاد، مترجم)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شیخ‌زاده، م. و نیکخواه، ز. (۱۳۹۹). واکاوی مضامین راهبردی در سیاست‌های کلی نظام: کاربرد چارچوب مضمون در سیاست‌پژوهی. *فصلنامه راهبرد*، ۲۹ (۹۷)، ۳۴-۵.
- صالحی امیری، س. و باباشمس، آ. (۱۳۹۴). سنجش سرمایه اجتماعی در میان دانشجویان. *مدیریت فرهنگی*، ۲۷ (۲۷)، ۴۷-۵۹.
- صالحی، س.؛ فرج‌زاده، ا. و فرح‌بخش، ع. (۱۳۹۲). بررسی نقش اینترنت در جنبش اجتماعی مصر. *فصلنامه جامعه‌شناسی جهان اسلام*، ۱ (۳)، ۱-۱۶.
- طالقانی، م. (۱۳۸۱). *روش تحقیق نظری*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- طباطبایی، م. (۱۳۹۹). *سنن النبی*. قم: بوستان کتاب.
- طبری، ا. (۱۴۰۶ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفه.
- طریحی، ف. (۱۳۷۵). *مجمع البیان*. تهران: کتابفروشی مرتضوی.

- عابدینی بلترک، م. (۱۳۹۷). تربیت اخلاقی از دیدگاه ابن سینا و تحلیل محتوای کتاب‌های درسی پایه ششم ابتدایی بر اساس آن. *تاریخ پزشکی*، (۳۵)، ۷۰-۷۷.
- عبتی، م. (۱۳۸۲). *ترجمه تاریخ یمینی*. (ا. جرفادقانی، مترجم)، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- عزتی، م. و شهرداری، ل. (۱۳۹۱). ارزیابی عملکرد کمیته امداد امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در زمینه جمع‌آوری زکات. *پژوهشنامه مالیات*، (۶۴)، ۳۱-۶۰.
- عطار نیشابوری، ف. (۱۳۷۹). *تذکره الاولیاء*. تهران: بهزاد.
- عظیمی، م. (۱۳۹۵). *رسانه و بعد اجتماعی امنیت ملی*. قم: ندای الهی.
- عقیلی، س. (۱۳۶۴). *آثار الوزراء*. (م. حسینی ارموی، تدوین)، تهران: اطلاعات.
- علی الانباری، ع. (۱۹۷۸م). منصب القاضي القضاة فی الدولة العباسیه منذ نشأته حتی نهایه العصر السلجوقی. بیروت: ادار العربیه للمرساعات.
- عنصرالمعالی، ک. (۱۳۷۱). *قابوسنامه*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- عیوضی، م. (۱۳۸۶). فرهنگ اسلامی؛ مفاهیم، ویژگی‌ها و اصول. *فصلنامه زمانه*، (۵۸).
- عیوضی، م. و کیقبادی، ع. (۱۳۹۱). تعیین قلمرو راهبرد، مأموریت، رسالت هدف و چشم‌انداز در آینده‌نگاری راهبردی. *فصلنامه مطالعات آینده پژوهی*، (۳)، ۱۳۳-۱۶۰.
- غزالی طوسی، ا. (۱۳۶۱). *نصیحه الملوک*. تهران: بابک.
- فاضل قانع، ح. (۱۳۹۲). *سبک زندگی بر اساس آموزه‌های زندگی*. قم: مرکز پژوهش‌های صدا و سیما.
- فاضلی، م. (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*. قم: صبح صادق.
- فتحی، ک. (۱۳۹۰). *اصول و مفاهیم اساسی برنامه‌ریزی درسی*. تهران: علم استادان.
- فرانکفورد، چ. و نجمیاس، د. (۱۳۸۱). *روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی*. ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، تهران: سروش.
- فراهیدی، خ. (۱۴۱۰ق). *العین*. قم: هجرت.
- فرای، رن. (۱۳۷۹). *تاریخ ایران*. (ح. انوشه، مترجم)، تهران: امیرکبیر.
- فکوهی، ن. (۱۳۸۲). *تاریخ نظریه‌های انسان‌شناسی*. تهران: نشر نی.
- فوکو، (۱۳۷۸).
- قاسمی، ح. و کاظمی، م. (۱۳۹۳). تحلیل محتوای بررسی کتاب‌های هدیه آسمانی پایه ششم و میزان انطباق آن با مبانی قرآنی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.

نوآوری‌های آموزشی.

- قدامه بن جعفر. (۱۳۷۵). *کتاب الخراج*. تهران: البرز.
- قرشی، م. (۱۳۶۷). *آئین شهرداری د قرن هفتم هجری*. (ج. شعار، مترجم)، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- قره‌داغی، ش؛ مردی پیرسلطان، ف؛ قادری ثانوی، ر. و درخشان نیا، ف. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین سلامت اجتماعی و رضایت ناشوپی در میان کارکنان بهزیستی شهر کرج. *دومین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، مشهد*.
- قلقشندی، ا. ب. (۴۰۷ ق). *صبح الاعشى فی صناعه الانشاء*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- قلی‌زاده، آ. و اسماعیلیان اردستانی، ز. (۱۳۹۳). نقش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر رضایت ناشوپی دانشجویان متأهل. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، (۵۶)، ۳۷-۴۶.
- قمی، ع. (۱۴۰۲ ق). *سفینه البحار*. قم: اسوه.
- کاپوآنی، م. (۱۳۹۰). کمی‌سازی و سنجش سبک زندگی اسلامی. *روان‌شناسی و دین*، (۲۳).
- کروتی، د. و هوینس، و. (۱۳۹۱). *رسانه و جامعه؛ صنایع، تصاویر و مخاطبان*. (م. یوسفی، و س. مرزانی، مترجم)، دانشگاه امام صادق (ع).
- کرپیندورف، ک. (۱۳۸۱). *تحلیل محتوا، مبانی روش‌شناسی*. (ترجمه هوشنگ نایبی)، تهران: نشر نی.
- کستلز، م. (۱۳۹۴). *قدرت ارتباطات*. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
- کلینی، م. (۱۳۶۵). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کندی، ا. (۱۹۰۸ م). *کتاب الولاه و کتاب القضاة*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- کوئن، ب. و فاضل، ت. غ. (۱۳۷۲). *مبانی جامعه‌شناسی*. تهران: سمت.
- گودرزی، م؛ شیری، ف. و محمودی، ب. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش مؤلفه‌های خانواده درمانی شناختی - رفتاری بر تعارض والد - فرزندی و تعارض ناشوپی. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، (۴۸)، ۵۳۲-۵۵۱.
- لمبتون، ا. (۱۳۸۰). *دولت و حکومت در اسلام*. تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- ماوردی، ا. (۱۳۹۱ ق). *ادب القاضی*. بغداد: مطبعه الارشاد.
- ماوردی، ا. (۱۴۰۶ ق). *احکام السلطانیة و الوالیات الدینیة*. قاهره: مکتبه الاعلام الاسلامی.

- متز، آ. (۱۳۶۲). *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*. تهران: امیرکبیر.
- مجلسی، م. (۱۴۰۳). *بحار الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محقق حلی، ج. (۱۳۴۶). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. (ا. یزدی، مترجم)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محقق، م. (۱۳۷۴). *یادنامه ابوالفضل بیهقی*. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- محمدی ری شهری، م. (۱۴۰۳ق). *میزان الحکمه*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- مختاری، م.؛ احمدی، س. و حجتی نیا، م. (۱۳۹۵). رضایت زناشویی زنان و ارتباط آن با سرمایه فرهنگی زن و شوهر. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، (۴۸)، ۵۷۴-۵۵۵.
- مستوفی، ح. (۱۳۶۴). *تاریخ گزیده*. تهران: امیرکبیر.
- مسعودی، ع. (۱۳۹۰). *مروج الذهب و معادن الجواهر*. (ا. پاینده، مترجم)، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مسلمی، ح. و فاضلی، س. (۱۳۹۷). مدل تحلیلی راهبرد در منظومه فکری مقام معظم رهبری. *فصلنامه راهبرد*، ۲۷(۸۹)، ۶۷-۹۴.
- مشایخ، ف. (۱۳۸۹). *فرایند برنامه‌ریزی آموزشی*. تهران: مدرسه.
- مفردنژاد، ن. و منادی، م. (۱۳۹۹). ارتباط سرمایه‌های روان‌شناختی و فرهنگی با خوشونت خانگی در زنان متأهل (مورد مطالعه: فرهنگیان بهبهان). *مطالعات زن و خانواده*، ۱۸(۱)، ۱۸۹-۲۱۴.
- مقدسی، ا. (۱۹۰۶م). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*. بیروت: دار صادر.
- مقصودی، س.؛ معیدفر، س. و توکل، م. (۱۳۹۰). بررسی جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی و رضایت زناشویی در زوجین شهر کرمان. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۵(۱)، ۱-۲۰.
- ملکی علمداری، س. و جلالی‌پور، ح. (۱۳۹۰). تحلیل و مقایسه محتوای کتاب‌های فارسی پایه دوم و سوم ابتدایی از لحاظ مؤلفه‌های رفتار مدنی در سال تحصیلی ۱۳۴۶-۱۳۸۷. *مطالعات برنامه درسی*.
- ملکی، ح. (۱۳۸۸). *برنامه‌ریزی درسی*. مشهد: پیام اندیشه.
- مندراس، ه. و پرهام، ت. ب. (۱۳۸۴). *مبانی جامعه‌شناسی*. تهران: امیر کبیر.
- نخجوانی، ه. (۱۳۵۷). *تجارب السلف*. تهران: کتابخانه طهوری.
- نرخشی، محمد بن جعفر (۱۳۵۱). *تاریخ بخارا*. به کوشش محمدتقی مدرس رضوی. تهران: توس
- نصرتی‌نژاد، ف.؛ سخایی، ا. و شریفی، ح. (۱۳۹۴). نقش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر

- رضایت زناشویی دانشجویان متأهل. *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، ۱۴۳-۱۶۷.
- نظام‌الملک طوسی، ابوعلی حسن (۱۳۷۸). *سیاست‌نامه*. به اهتمام هیوبرت دارک. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- نمازی، ع. (۱۴۱۹). *مسترک سفینه البحار*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- نورمحمدی، م. (۱۳۹۰). نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در انقلاب تونس. *رسانه*، ۲۲(۳ و ۴)، ۹۳-۱۰۶.
- نوری، م. (۱۴۰۸ق). *مسترک الوسائل*. بیروت: مؤسسه آل‌البیت.
- نیازی، م. و کارکنان نصرآبادی، م. (۱۳۸۶). تبیین جامعه‌شناختی رابطه سرمایه فرهنگی خانواده با هویت اجتماعی جوانان. *مطالعات ملی*، (۳۱)، ۵۵-۸۰.
- واگو، ا. (۱۳۷۳). *درآمدی بر تئوری‌ها و مدل‌های تغییرات اجتماعی*. (ا. غروری زاد، مترجم)، تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی.
- وطواط، رشید (۱۳۳۸). *نامه‌های رشیدالدین وطواط*. اهتمام قاسم توپسرکانی. تهران: دانشگاه تهران.
- وکیاتو. (۲۰۱۵).
- هاکسلی. (۱۳۶۶).
- هندوشاه بن سنجر (۱۳۵۷). *تجارب السلف*. به تصحیح و اهتمام عباس اقبال آشتیانی. تهران: کتابخانه طهوری.
- یار محمدیان، م. (۱۳۹۰). *اصول برنامه‌ریزی درسی*. تهران: یادواره کتاب.
- Alianak, S. L. (2014). *The Transition Towards Revolution and Reform: The Arab Spring Realised?* Edinburgh, United Kingdom: Edinburgh University Press.
- Ashby, M. F. (2013). *Materials and the Environment, Eco-informed Material Choice*. 2nd Edition. Butterworth-Heinemann.
- Bayat, A. (2017). *Revolution without Revolutionaries: Making sense of the Arab Spring*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Bennett, W. & Segerberg, A. (2012). The Logic of Connective Action: Digital Media and the Personalization of Contentious Politics. *Information, Communication & Society*, 15(5), 768-739.
- Bordass, B. & Leaman, A. (2013). New professionalism: Remedy or fantasy? *Building Research & Information*, 41(1), 1-7.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using Thematic Analysis in Psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Brown, S. L. (1997). The art of continuous change: Linking complexity.



- Cambridge (30 Apr 2020). *Cambridge dictionary.org*.
<https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english>
- Castells, M. (2015). *Networks of Outrage and Hope: Social Movements in the Internet Age 2* Cambridge, United Kingdom: Polity Press.
- Creswell, J. (2016). *Essential Skills for the Qualitative Researcher*. Thousand Oaks, California: SAGE.
- Creswell, J. & Poth, C. (2018). *Qualitative Inquiry & Research Design: Choosing Among Five Approaches*. Fourth edition. Thousand Oaks, California: SAGE.
- Cunliffe, A. (2008). Orientations to social constructionism: Relationally-responsive social constructionism and its implications for knowledge and learning, *Management Learning*, 123-139.
- DeFronzo, J. (2015). *Revolutions and Revolutionary Movements 5* Boulder, CO, Westview Press.
- Della Porta, D. & Mattoni, A. (2015). Social Networking Sites in Pro-democracy and Anti-austerity Protest: Some Thoughts from a Social Movements Perspective. D. Trottier, & C. Fuchs, *Social Media, Politics and the State: Protests, Revolution, Riots, Crime and Policing in the Age of Facebook, Twitter and YouTube* (39-63). New York, NY: Routledge.
- Desideri, U. & Asdrubali, F. (2018). *Handbook of Energy Efficiency in Buildings: A Life Cycle Approach*. Butterworth-Heinemann.
- Det Udomsap, A. & Hallinger, P. (2020). A bibliometric review of research on sustainable construction, 1994-2018. *Journal of Cleaner Production*, 254, 120073. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2020.120073>
- Diamond, L. (2010). Liberation Technology. *Journal of Democracy*, 21(3), 69-83.
- Dool, L.; Hendriks, F.; Gianoli, A. & Schaap, L. (2015). *The Quest for Good Urban Governance; Theoretical Reflections and International Practices*. Urban and Regional Research International. Springer VS.
- El-Nawawy, M. & Khamis, S. (2013). *Egyptian Revolution 2.0: Political Blogging, Civic Engagement, and Citizen Journalism*. New York, NY: Palgrave MacMillan.
- Faris, D. M. & Meier, P. (2013). Digital Activism in Authoritarian Countries. A. Delwiche, & J. Henderson, *The Participatory Cultures Handbook*, 197-205. New York, NY: Routledge.
- Fiol, C. & Lyles, M. Organizational learning.
- Foot, K. A. & Schneider, S. M. (2006). *Web Campaigning*. Cambridge, MA: The MIT Press.
- Fukuyama, F. (2013). What is governance ? *Governance*, 26(3), 347-368.
- Gelvin, J. L. (2015). *The Arab Uprisings: What Everyone Needs to Know* New York, NY: Oxford University Press.
- George, D. & Mallery, P. (2003). *SPSS for Windows step by step: A simple guide and reference*. Boston: Allyn & Bacon.
- Gerbaudo, P. (2012). *Tweets and the Streets*. London, United Kingdom: Pluto Press.

- Gladwell, M. (2017). Small Change: Why the Revolution will not be Tweeted. S. Cohen 50 *Essays: A portable Anthology 5*, 169-181, Bostn, MA: Bedford/St. Martin's.
- Goodwin, J. & Jasper, J. M. (2015). Editors 'Introduction. J. Goodwin, & J. Jasper, *The Social Movements Reader: Cases and Concepts 3*, 3-7, West Sussex, United Kingdom: Wiley Blackwell.
- Growiec, K. & Growiec, J. (2013). Trusting Only Whom You Know, Knowing Only Whom You Trust: The Joint Impact of Social Capital and Trust on Happiness in CEE Countries. *Journal of Happiness Studies*, 1015-1040.
- Haeffner, M.; Leone, D.; Coons, L. & Chermack, T. (2012). The effects of scenario planning on perceptions of learning organization characteristics.
- Han, S. (2014) Social Capital and Subjective Happiness: Which Contexts Matter? *Journal of Happiness Studies*, 241-255.
- Hauuss, S. (2015). Promise and Practice in Studies of Social Media and Movements. L. Dencik & O. Leistert, *Critical Perspectives on Social Media and Protest: Between Control and Participation*, 13-31. London, United Kingdom: Rowman & Littlefield.
- Herrara, L. (2014) Revolution in the Age of Social Media: The Egyptian Popoular Insurrection and the Internet. London, United Kingdom: Verso.
- Hildingsson, R. (2015). Governing decarbonisation the state and the new politics of climate change . Lund, Sweden: Lund University.
- Hill, S.; Lorenz, D.; Dent, P. & Lu"tzkendorf, T. (2013). Professionalism and ethics in a changing economy. *Building Research & Information*, 41(1), 8-27.
- Hosseini Dehaghani, M. & Basirat, M. (2016). A Game Theory Approach to the Analysis of Urban Power Games: Analysis of Construction Building Processes in Tehran Metropolis. *Honar-Ha-Ye-Ziba: Memary va Shahrasi*, 21(1), 91-100.
- Howard, P. N. & Hussain, M. H. (2013). *Democracy's Fourth Wave? Digital Media and the Arab Spring*. New York, NY: Oxford University Press.
- Kazemian, G. (2018) The favorable perspective of urban management on the horizon 2025. A. A. Mahaki, *New urban governance; Approaches, concepts, issues and challenges (51-62)*, Tehran: Tisa.
- Kenward, R. E.; Whittingham, M. J.; Arampatzis, S.; Manos, B. D.; Hahn, T.; Terry, A.,.... Papanthasiou, J. (2011) Identifying governance strategies that effectively support ecosystem services, resource sustainability, and biodiversity. *Proceedings of the National Academy of Sciences USA*, 108(13), 5308-5312.
- Keshavarz G.; M., Kazimieras Z.; E., Turskis, Z. & Antucheviciene, J. (2016). A new combinative distance-based assessment (CODAS) method for multi-criteria decision-making. *Economic Computation and Economic Cybernetics Studies and Research*, 25-44.
- Khamis, S. (2017). Revisiting Cyberactivism Six Years after the Arab Spring:



- Potentials, Limitations, and Future Prospects. N. Lenze, C. Shriwer, & Z. Abdul Jalil, *Media in the Middle East: Activism, Politics, and Culture*, (3-19), New York, NY: Palgrave MacMillan.
- Kibert, C. J. (1994). Establishing principles and a model for sustainable construction. *the first international conference on sustainable construction (3-12)*, Tampa Florida.
- Kibert, C. J. (2007). *The next generation of sustainable construction*. London: Taylor & Francis.
- Kibert, C. J. (2007). The next generation of sustainable construction. *Building Research & Information*, (3), 595-601.
- Kibert, C. J. (2016). Sustainable construction: Green building design and delivery. New York: John Wiley & Sons.
- Koontz, H. & Wehrich, H. (Management 1988). New York: McGraw-Hill.
- Kotus, J. & Sowada, T. (2017). Behavioural model of collaborative urban management: extending the concept of Arnstein's ladder. *Cities* (65), 78-86.
- Lawrence, E.; Rogers, R.; Zajacova, A. & Wadsworth, T. (2019). Marital happiness, marital status, health, and longevity. *Journal of Happiness Studies*, 1539-1561.
- Learner's, O. A. (30 Apr 2020). *Dictionary*. <https://www.oxfordlearnersdictionaries.com/definition/english>
- Leftwich, A. (1993). Governance, democracy and development in the Third World. *Third World Quarterly*, 14(3), 605-624.
- Li, Y.; Qiu, J.; Zhao, B.; Pavao-Zuckerman, M.; Bruns, A.; Qureshi, S.... Li, Y. (2017). Quantifying urban ecological governance: A suite of indices characterizes the ecological planning implications of rapid coastal urbanization. *Ecological Indicators*, (72), 225-233.
- Longman (30 Apr 2020). *Longman Dictionary of Contemporary English Online*. <https://www.ldoceonline.com/dictionary>
- Lorch, R.; Visscher, H.; Laubscher, J. & Chan, E. H. (2018) *Building Governance and Climate Change; Regulation and Related Policies*. New York: Routledge.
- Loury, G. (1977). A dynamic theory of racial income differences. P. Wallace, & A. Lamond in *Women, Minorities and Employment Discrimination*, (153-188). Lexington: Lexington Books.
- Lynch, M. (2014). Media, Old and New. M. Lynch, *The Arab Spring Explained: New Contentious Politics in the Middle East*, (93-109), New York, NY: Columbia University Press.
- Merriam-Webster (30 Apr 2020). *Merriam-Webster*. <https://www.merriamwebster.com/dictionary>
- Moaddel, M. (2017). The Arab Spring and Egyptian Revolution Makers: Predictors of Participation. M. Moaddel, & M. J. Gelfand, *Values, Political Action, and Change in the Middle East and the Arab Spring*. (205-247). New York, NY: Oxford University Press.

- Mol, A. P. (2009). Urban environmental governance innovations in China. *Current Opinion in Environmental Sustainability*, 1(1), 96-100.
- Morozov, E. (2011). *The Net Delusion: The Dark Side of Internet Freedom*. New York, NY: Public Affairs.
- Noller, P., Feeney, J. & Callan, V. (1994). A longitudinal study of conflict in early marriage. *Journal of Social and Personal Relationship*, 233-252.
- Pierre, J. & Peters, B. G. (2000). *Governance, politics and the state*. Hampshire, UK: Palgrave Macmillan.
- Rasoolimanesh, S. M.; Badarulzaman, N.; Abdullah, A. & Behrang, M. (2019). How governance influences the components of sustainable urban development? *Journal of Cleaner Production*, 238.
- Roof, K. & N, O. (2008). Public Health: Seattle and King County's Push for the Built Environment. *J Environ Health*, 71(1), 7-24.
- Rotberg, I. R. (2014). Good governance means performance and results. *Governance*, 27(3), 511-518.
- S.Hocking, B. (1990).
- Salem, S. (2015). Creating Spaces for Dissent: The Role of Social Media in the 2011 Egyptian Revolution. D. Trottier & C. Fuchs, *Social Media, Politics and the State: Protests, Revolution, Riots, Crime and Policing in the Age of Facebook, Twitter and YouTube, (171-188)*, New York, NY: Routledge.
- Schuler, D. & Day, P. (2004). Shaping the Network Society: Opportunities and Challenges. D. Schuler & P. Day, *Shaping the Network Society: The New Role of Civil Society in Cyberspace, (1-16)*, Cambridge, MA: The MIT Press.
- SCI, S. C. (2019). Information on building permits issued by municipalities in 2018. Tehran: Statistics Center of Iran.
- Seib, P. (2012). *Real-Time Diplomacy: Politics and Power in the Social Media Era*. New York, NY: Palgrave MacMillan.
- Serenko, A. (2013). Meta-analysis of scientometric research of knowledge management : discovering the identity of the discipline. . *J. Knowl. Manag.* 17(5), 773-812.
- Snelgrove, J. & Pikhart, H. (2009). A multilevel analysis of social capital and self- rated health: evidence from the British household panel survey. *Journal of Health Politics, Policy and Law*, 689-694.
- Taqipour A. A. (2021). Explanation of Tehran's Building Governance. *Master Thesis*. Tehran: Allame Tabataba'ie University, Faculty of Accounting and Management.
- Treib, O.; Bähr, H. & Falkner, G. (2007). Modes of governance: Towards a conceptual clarification. *Journal of European Public Policy*, 14(1), 1-20.
- Trottier, D. & Fuchs, C. (2015). Introduction. D. Trottier, & C. Fuchs, *Social Media, Politics and the State: Protests, Revolution, Riots, Crime and Policing in the Age of Facebook, Twitter and YouTube, (3-38)*, New York, NY: Routledge.
- Tufekci, Z. (2017). *Twitter and Tear Gas: The Power and Fragility of Networked Protest*. New Haven, CT: Yale University Press.



- Turner, R.; Fitzsimmons, C.; Forster, J.; Mahon, R.; Peterson, A. & Stead, S. (2014). Measuring good governance for complex ecosystems: Perceptions of coral reef-dependent communities in the Caribbean. *Global Environmental Change*, (29), 105-117.
- Unal, O. & Akgun, S. (2020). Conflict resolution styles as predictors of marital adjustment and marital satisfaction: an actor-partner interdependence model. *Journal of Family studies*, 1-16.
- United Nations. (2015). Transforming Our World: the 2030 Agenda for Sustainable Development. UN Doc. A/RES/70/1.
- Visscher, H., Laubscher, J. & Chan, E. H. (2016). Building governance and climate change: roles for regulation and related policies. *Building Research & Information*, (44), 461-467.
- Zhao, X.; Zuo, J.; Wu, G. & Huang, C. (2019). A bibliometric review of green building research 2000-2016, *Architectural Science Review*, 62(1), 74-88.
- Ziaee, T.; Jannati, Y.; Mobaheri, E. & et al. (2014). The Relationship between Marital and Sexual Satisfaction among Married Women Employees at Golestan University of Medical Sciences, Iran. *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Science*, 44-51.
- Zou, T.; Su, Y. & Wang, Y. (2018). Examining Relationships between Social Capital, Emotion Experience and Life Satisfaction for Sustainable Community. *Sustainability*, 1-16.
- Zou'elm (2005). Reflections on the concept of the word challenge in Iranian social and cultural literature. *Andish va Tarikh Siasi Iran Mo'aser*, 36(4), 34-37.

References

- Adine Vand; Ali Asghar & Olian, Mahdi (2015). Good urban governance in Iran: prioritizing components and knowledge. *Strategy Quarterly*. 25(81), 305-338. (In Persian)
- Aghili, Saif al-Din Haji bin Nizam (1985). The works of ministers. Edited by Mirjalaluddin Hosseini Ermavi (Muhadith). second edition. Tehran: Information Publications. (In Persian)
- Ali al-Anbari, Abdul Razzaqh (1978). The position of al-Qhazi al-Qhozat in al-Abbasiya from the beginning until the end of the Seljuks era. first edition Beirut: Al-Dar al-Arabiya for Al-Morseat. (In Arabic)
- Amin, Seyed Hassan (1382). History of Iranian law. First Edition. Tehran: Iranian Encyclopaedia Publications. (In Persian)
- Attar Neishaburi, Faridaldin (2000). Tazkerah Alawlia .Based on the version of Reynold Allen Nicholson, with the efforts of Tavakli. Eighth edition. Tehran: Behzad Publications.(In Persian)
- Baghdadi, Bahaoddin Mohammad ibn Moayed (1936). Al-Tavassol ela Al-Tarassol. Tehran: Ahmed Bahmanyar Publishing. (In Arabic)
- Bartold (2003). Turkestan Namah. Translated by Karim Keshavarz. Tehran: Aghaz Publications. (In Persian)

- Bayhaghi, Abulfazl (1996). Beyhaqi history. Dr. Khalil Khatib Rahbar's efforts. Tehran: Mehtab Publications. (In Persian)
- Bosworth, Darley Duran & Kahn, Lambton (2010). The Seljuks. Translated by Yaqhub Azhand. First Edition. Tehran: Molly Publications. (In Persian)
- Dinevari, Ibn Qutaibeh (2001). Imamate and politics. Translated by Seyyed Nasser Tabatabai. Tehran: Qhoghnoos. (In Persian)
- Fry, R.N. (2000). History of Iran. Translated by Hassan Anoushe. Third edition. Tehran: Amir Kabir Publications. (In Persian)
- Ghazali Tusi, Imam Muhammad ibn Muhammad (1982). The King's Advice. With corrections, footnotes, comments and an introduction by Professor Jalaluddin Homayi. Tehran: Babak Publications. (In Persian)
- Ibn Abi al-Dam, Ibrahim bin Abdullah (1984). Judicial literature. Researched and edited by: Mohi Hilal al-Sarhan. first edition. Baghdad: Al-Ershad Press. (In Arabic)
- Ibn al-Nadim, Muhammad bin Ishaq (1929). Al-Fehrest. Beirut: Dar al-Marafa. (In Arabic)
- Ibn Athir, Izz al-Din Ali (1985). The complete history of Islam and Iran. Translated by Abbas Khalili (volumes 1-15) and translated by Ali Hashemi Haeri (volume 16). Tehran: Scientific Publications. (In Persian)
- Ibn Balkhi (1931). Farsnameh. Edited by Guy Lessring and Renedalene Nicholson. Tehran: Asatir. (In Persian)
- Ibn Ekhwah, Muhammad ibn Ahmad ibn Qureshi (1988). Municipal ritual in the 7th century of Hijri (Ma'alem al-Qurba fi Ahakam-e al-Hisbah). Translated by Dr. Jafar Shaar. Third edition. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. (In Persian)
- Ibn Khaldoun, Abdor Rahman (1996). The Introduction of Ibn Khaldoun. Translated by Mohammad Parveen Gonabadi. Eighth edition. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. (In Persian)
- Ibn Khallakan, Ahmad Ibn Ibrahim. (1997). Deaths of notables and news of the sons of the time. A new revised and corrected edition, indexed by Muhammad Abd al-Rahman al-Maraashli. First Edition. Beirut: Institute of Arabic History. (In Arabic)
- Ibn Meskaweih, Abu Ali (1997). Experiences of nations. Translated by Alinghi Manzavi. First Edition. Tehran: Tus. (In Persian)
- Istakhari, Ibrahim ibn Mohammad (1961). Paths and kingdoms. Beirut: Dar Sadir. (In Arabic)
- Jahshiari, Mohammad (1969). Book of Ministers and Writers. Translated by Abulfazl Tabatabayi. Tehran: Translation and publishing. (In Persian)
- Joyini, Mutjab al-Din Ali bin Ahmad Katab (1950). Otbah al-Kuobah. To the correction of Allameh Mohammad Qazvini and Abbas Iqbal. Tehran: Printing Company. (In Persian)
- Kennedy, Abi Omar (1908). The book of governors and the book of judges. Politely and correctly written by Refen Gest. Beirut: Dar al-



- Kutub Al-Elamiya. (In Arabic)
- Khonoji Esfahani, Fazlullah (1985). Behavior of kings. Tehran: Kharazmi. (In Persian)
- Lambton, A.K.A. (2001). Government and governance in Islam. Translation and research by Seyyed Abbas Salehi and Mohammad Mahdi Faqhihi. Tehran: Arouj Publishing Institute. (In Persian)
- Masoudi, Ali ibn Hossein (1390). Meadows of gold and precious metals. Translated by Abolqasem Payandeh, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. (In Persian)
- Mawardi, Abulhasan Ali (1973). Judge etiquette. Baghdad: Mohi Hilal al-Sharhan, head of Diwan al-Awqhaf. (In Arabic)
- Mawardi, Abulhasan Ali (1985). Sultanic rulings and religious mandates. second edition. Cairo: Islamic Studies School. (In Arabic)
- Metz, Adam (1983). Islamic civilization in the 4th century Hijri. Translation: Alireza Zakavati. First Edition. Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
- Mohaghegh, Mehdi (1995). Abolfazl Beyhaghi's memorandum. Mashhad: Ferdowsi University Press. (In Persian)
- Mohaghegh Helli, Ja'far ibn Hasan (1967). The laws of Islam in matters of halal and haram. Translated by Abulqasem ibn Ahmed Yazdi, by the effort of scholar Mohammad Taqi. Tehran: Tehran University Press. (In Persian)
- Moqhddasi, Abu Abdullah (1906). The best divisions in knowing the regions. Beirut: Dar Sader. (In Arabic)
- Moslemi, Hossein and Fazeli, Seyed Taher (2017). Strategy analysis model in the intellectual system of the Supreme Leader. Strategy Quarterly. 27(89). pp. 67-94. (In Persian)
- Mostofi, Hamdollah (1985). selected date. Due to the attention of Dr. Abdul Hossein. (In Persian)
- Nakhjavani, Hindushah ibn Sanjar (1979). The experiences of the predecessors. To the correction and diligence of Abbas Iqbal Ashtiani. Third edition. Tehran: Tahuri Library. (In Persian)
- Narshakhi, Muhammad ibn Jafar (1972). History of Bukhara. by the efforts of Mohammad Taghi Modares Razavi. Tehran: Toos. (In Persian)
- Nizam al-Mulk Tusi, Abu Ali Hassan (1999). Policy. To the attention of Hubert Dark. fourth edition. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. (In Persian)
- Onsor-al Maali, Kikavus ibn Iskandar (1992). Qaboosnameh. To the attention of Gholamhossein Yousefi. Sixth edition. Tehran: Scientific and Cultural Publications. (In Persian)
- Otbi, Muhammad ibn Abdul Jabbar (2003). Translation of Yamini history. Translated by Abul Sharaf Naseh bin Zafar Jarfadghani. Corrected by Jafar Shaar. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. (In Persian)
- Qalqhashandi, Ahmad ibn Ali. (1987). Sobh al-A'asha in the industry of creation. Description of Mohammad Hossein Shamsoddin. Beirut: Dar

- al-Kitab al-Alamiya. (In Arabic)
- Qodamah ibn Jafar (1996). Book of Al-Kharaj. Translation and research by Dr. Hossein Qareh Chanlou. First Edition. Tehran: Alborz Publishing. (In Persian)
- Rawandi, Muhammad ibn Ali ibn Soleiman (1985). Rahat al-Sodour and Ayah al-Sorour in Seljuk history. To try and correct Muhammad Iqbal. including footnotes and indexes with the necessary corrections of the late Mohtabi Minouei. second edition. Tehran: Amir Kabir Publications. (In Persian)
- Razi, Najmoddin. (2019). Mersad al-Ebad. Tehran: Ferdous. (In Persian)
- Saket, Mohammad Hossein (2003). Proceedings in Islamic law. Tehran: Mizan Publications. (In Persian)
- Samani, Abu Saad Abdul Karim ibn Muhammad (1980). Al-Ansab book. With the help of the Ministry of Education and Cultural Affairs of the Supreme Indian Government. first edition. Hyderabad: The Majlis of the Ottoman Encyclopaedia. (In Arabic)
- Shpoler, Bertold (1994). History of Iran in the early Islamic centuries. Translated by Javad Flatouri. fourth edition. Tehran: Scientific and Cultural Publications. (In Persian)
- Thaalabi Nishaboyi, Abu Mansour (1989). The News of the Persian kings and their biographies. With translation and introduction by Zattenbarak and preface by Mojtaba Minavi. Translation of the Arabic text by Mohammad Fazaeli. Tehran: Hefdeh Shahrivar Printing House. (In Persian)
- Watwat, Rashid (1959). Letters of Rashid al-Din and Tawat. The effort of Qasim Tuyserkani. Tehran: University of Tehran. (In Persian)
- Zahrani, Mohammad Mosfar (2013). Ministry system in the Abbasid government (Al-Buyeh and Seljuq era). The translator of Satar Oudi. Tehran: Scientific and Cultural Publications. (In Persian)
- Zeydan, Abdul Karim (1984). Judiciary system according to Islamic law. Baghdad: Al-Ani Press. (In Arabic)
- Zeydan, Jurji (1994). The complete works of Jurji Zaydan. (The History of Islamic Civilization). The third edition. Beirut: Dar al-Jil. (In Arabic)